



۲۰۱۷/۱۲/۱۰

ملالی موسی نظام



روز جهانی اعلامیه ارزشمند حقوق بشر



پامال حقوق فردی در افغانستان همواره نقیض اعلامیه حقوق بشر بوده است

بعد از ختم جنگ جهانی دوم و اثرات ناگوار آن بالای عالم بشریت که منجر به کشتار پراکنده و وسیعی در اکثر ممالک بروی کره ارض گردید، در سال ۱۹۴۵ تهداب مؤسسه خیریه ایکه ممالک عضو و ذیعلاقه بتوانند در پناه مقررات آن حتی المقدور به یک همزیستی مسالمت آمیز راه یابند، در شهر نیویارک گذاشته شد.

در پهلوی شرائط و اصول نامه ها و فیصله جات این تشکیل خیریه بین المللی و کمیته ها و کمیسیون های متنوع آن، کمبود یک توافق نامه و یا اصول نامه ایکه بتواند حقوق و احتمالاً وجایب افراد بشر را تا حدودی که حاکمیت دول و قوانین

متبوعه آنان مجاز بدانند، بصورت یک اعلامیه جانی همه جانبه شدیداً احساس می گردید. در حقیقت حوادث و تصمیم گیری های خود سرانه ای که در اثر مظالم و استبداد حکمروایان بر اتباع ممالک منحصراً اصول و مقررات تحمیل میگردید، نمیتوانست در چوکات قوانین و مقررات شرافتمندانه و حمایت از حقوق بشری آنان مری الاجرا گردد؛ مخصوصاً که پامال حقوق انسان بصورت وسیع و لجام گسیخته ای در جوامع بعد از جنگ، کاملاً خود سرانه جامه عمل میپوشید و حتی موجودیت قوانینی که خود به آن رسمیت بخشیده و پذیرفته بودند، از جانب اولیای امور بر سر اقتدار دول مراعات و پذیرفته نمی گردید.

در چنین حالت زار جهان بشریت، باز هم احتیاج مبرمی به یک اصولنامه عمومی که حقوق و مزایای انسانی را بتواند درجه بندی و حمایت نماید، شدیداً محسوس گردید، همان بود که بعد از تشکیل اجتماعی از خیرگان و متخصصین تحت نظارت سازمان ملل متحد، تصویب و تصدیق نظریات گوناگون و البته با «**افهام و تفهیم مثبت**» در زمینه پشتیبانی از حقوق بشر بر روی کره ارض، اصول نامه ارزشمندی بوجود آمده و رسمیت حاصل نمود. طوری که بتاريخ ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ مجمع سازمان ملل متحد در پاریس «**اعلامیه جهانی حقوق بشر**» را با هشت رأی موافق و چهار رأی ممتنع تصویب کرد؛ از آن تاریخ به بعد روز دهم دسامبر به عنوان روز جهانی حقوق بشر در سراسر جهان تجلیل می شود که مواد سی گانه آن در حقیقت حقوق مشروع اتباع یک مملکت را که بر مواد مندرجه آن صحت گذاشته باشد، باید تأمین و حمایت بنماید.

با اعلام این اصول نامه حقوقی جهانی معتبر و نهایت ارزشمند، سازمان ملل متحد از همه ممالک عضو درخواست نمود تا هر سی ماده «**اعلامیه حقوق بشر**» را نه تنها جزئی از متون قوانین اساسی خود ها نمایند، بلکه بکوشند تا در جوامع شان امکانات عملی چنین مقرر ارزشمندی در پناه قانونیت، جامه عمل بپوشد.

در پهلوی ده ها پروگرام و فعالیت کمیسیون های متفرقه سازمان جهانی ملل متحد، یکی «**کمیسیون اعلاای حقوق بشر**» مربوط آن و سسه می باشد که خدمات انسانی وسیع و متفرقه آن حیات ملیون ها آواره مستحق را که قربانی فقر و جنگ های آتش افروز انسان بر انسان باشد، به صورت های گوناگون نجات بخشیده است.

روز دهم دسامبر ۲۳ سال از تشکیل دفتر «**کمیسیون اعلاای حقوق بشر**» ملل متحد سپری می گردد؛ در سال ۱۹۹۳ میلادی اسامبله عمومی ملل متحد چنین روزی را مشخص نمود تا توجه ملل و دول جهان را به مواد مندرجه «**اعلامیه جهانی حقوق بشر**»، این مقرر ارزشمند حقوقی بین المللی به منظور حمایه و مراعات حقوق حقه انسانی اتباع شان، منحصراً یک خط مشی درج شده در قوانین آنان، جلب نموده باشد.

۲۳ سال قبل حین تشکیل دفتر کمیسیون اعلاای حقوق بشر، در یک کنفرانس بین المللی در وینا پایتخت اطریش که به منظور حمایه و وقایه از حقوق انسانی تشکیل گردیده بود، موجودیت و رسمیت این دفتر برای پشتی بانی ملل جهان برای حفظ حقوق آنان، رسمیت حاصل نمود، چنانچه مواد مندرجه این جلسه که به «**کنفرانس وینا**» شهرت دارد، اساسنامه دفتر کمیسیون اعلاای حقوق بشر را احتواء مینماید.

در افغانستان که از هر نوع «**روز جهانی**» از جانب دولت و گاهی هم مردم استقبال «؟!» میگردد، همه ساله روز «**جهانی حقوق بشر**» هم با راه پیمایی ها و مظاهراتی از جانب درد رسیدگان نا امید از عدم وجود عدالت انتقالی و انصاف در قبال ناقضین حقوق بشر و جنایتکاران جنگی بر سر قدرت، صورت می گیرد که بیشتر به منظور اعتراضات و جلب توجه حکومت برای تأمین عدالت، بازخواست جنایتکاران جنگ های خانمان سوز و البته محکمه و حق ستانی ملیون هایی

که درین دهه های اخیر بصورت انفرادی و یا گروهی شکنجه، مجروح و یا کشته شده اند و هیچ عدالتی در قبال آن خلافکاری ها و خشونت ها تا امروز صورت نگرفته است. در زمره ده ها نوع پامال حقوق بشر در افغانستان، عملاً رد غیر قانونی حقوق زنان و تعمیم انواع خشونت بر زن و دختر افغان، بیدریغ و دردا که همه ساله قوس صعودی را می پیماید؛ چنانچه کمسیون حقوق بشر افغانستان چنین تزايد ضد انسانی را هر سال گزارش میدهد!

درد مردم افغانستان بیشتر بخاطر موجودیت جنایتکاران و ناقضان حقوق بشر در قدرت های گوناگون است که با سر افراشته در چنین احوالی از عدالت و انصاف حرف میزنند. طور مثال عبدالله عبدالله علم بردار ائتلاف معلوم الحال شمال و یکی از قهرمانان فاجعه بشری «قتل عام افشار» که در نوع خود ثبت تاریخ جهان گردیده است، بدون تردید عملاً با همراهی و امر مسعود به اشتراک یونس قانونی، قسیم فهیم و گروه سیاف، یکی از دلخراش ترین مظالم بشری انسان بر انسان «افغان بر افغان» را در آن ماه سرد و استخوان سوز از فراز کوه آسمایی بر اهالی شهر های مختلفه آن نواحی مرتکب گردید که منجر به قتل بیشتر از ۵۰۰۰ هموطنان بی دفاع هزاره ما گردید. این قهرمان آن تراژیدی بشری، در مورد حمایه از حقوق بشر «!؟»، امروز چنین گفتاری داشته است:

(عبدالله عبدالله رئیس اجراییه افغانستان در پیامی به مناسب روز جهانی حقوق بشر گفته است، در کنار سایر مشکلات در این کشور، مهم ترین مانع فرا راه تحقق حقوق بشر "گروه های تروریستی" اند.

به گفته آقای عبدالله این گروه ها همواره در پی خلق فاجعه و نقض حقوق بشر می باشند و بار ها "مرتکب جنایت جنگی و نقض صریح حقوق بشر" در افغانستان شده اند.

آقای عبدالله در پیامش تأکید کرده است که تروریسم، وابسته و متعهد به هیچ قوم، ملت، مذهب و جغرافیایی خاصی نیست؛ بلکه تهدید جهانی است که در برابر ارزش های حقوق بشری قرار دارد).

مشاهده می گردد که دزد هم میگوید وای و صاحب خانه هم، یعنی جنایات ابتکاری و مظالم ضد بشریت که در جریان جنگ های داخلی ذریعه همه تنظیم های تشنه قدرت بر ملت افغانستان و اهالی شهر کابل وارد گردیده است گویا ارتباطی با پامال مواد اعلامیه حقوق بشر نداشته است، وگرنه افغانستان از جمله اولین مملکت عضو ملل متحد بود که این اعلامیه حمایتی حقوق انسانی را امضاء نمود.

البته که تروریسم امروز به انواع مختلف برای پامال حقوق بشر و عملیات ابتکاری از نوع جنایات بشری، سخت جوامع را به خون و آتش کشانیده است، ولی دردا که در افغانستان با پامال عدالت، جنایت کاران جنگی بر مسند قدرت از حقوق انسانی و افغانی دم میزنند، آنچه را خود شان سال های متمادی پامال جفاکاری های ضد بشریت نموده اند!

به منظره رقت بار مردم افغانستان در سرزمین خود شان در عکس بالا نظر ببندازید، این آواره گان بی سرنوشت که از حد اقل وسایل معیشت بشری محروم اند، قسماً عودت کنندگان از پاکستان را و تعدادی بیجا شدگان از مناطق نا امن را تشکیل میدهند. در حالیکه در یک و نیم دهه اخیر، سیل کمک های پولی جهانی برای اعمار مجدد و خود کفایی مجموعی سر زمین جنگ زده ما به شمول ایجاد کار و انکشاف زیر بنایی اقتصادی، سرازیر گشته و دایم ذریعه یک اقلیت سخیف حیف و میل و چپاول گردیده است، مشاهده چنین تصویر رقتباری مگر ما را به یاد قصر شاهی و کلبه درویش نمی اندازد؟! اصل مطلب درین جاست که اگر از مردم بیچاره و بیوسیله افغانستان بخواهیم که هر روز به استقبال روز شهید، روز مبارزه بر علیه خشونت بر زنان، روز اعلامیه حقوق بشر، روز روز.... بروند، برای آنان نهایت درد ناک بوده، همه این جریانات ملت را زیاد تر به فکر تقلب کاری اولیای امور و پشتیبانی و قدرمندی هرچه بیشتر جنایتکاران و قاتلان

خانواده ها و هموطنان مظلوم شان در عدم وجود عدالت و دادخواهی می اندازد. آخر تاکی و تا چند باید با نقاب ریا و تزویر بر ملتی محروم قدرت نمایی نمود که تشنه برقراری عدالت و بازخواست جنایتکاران ۳۸ سال اخیر مردم خویش بوده و از حمایه، تقرر و انتخاب غیر عادلانه مجرمین جنگی و ناقضین حقوق بشر به مقامات بالا، درپانزده سال اخیر، در اندوه و ناامیدی بیشتری قرار می گیرند.

متن قسمتی از خبری را که در زمینه چنین روزی در سایت بی بی سی، در حوالی مبارزات انتخاباتی دو سال قبل به نشر رسیده مطالعه مینمائیم:

"کمیته نظارت بر حقوق بشر که مقر آن در نیویورک است، در ماه دسمبر سال گذشته از نامزدان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان خواسته بود که موضع خود را در قبال مسائل مهم حقوق بشری روشن کنند".

مشاهده گردید که چنان تقاضا هایی چون نوشته ای بروی یخ همیشه در افغانستان عزیز ما کمرنگ و بی ارزش میگردد؛ وگرنه کاندید شدن دوباره عبدالله عبدالله من حیث یک جنایت کار جنگی و یکی از عمال فعال و علنی فاجعه «قتل عام افشار»، نباید چنین امکانی را برای نام برده میسر می ساخت.

پایان

